

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حقوق جزای اختصاصی

ویژه داوطلبان آزمونهای ورودی

وکالت دادگستری – قضاوت کارشناسی ارشد – دکتری

مؤلف: داود ملک جمشیدی عضو کانون وکلای مرکز – کارشناس ارشد حقوق جزا

ویراستار علمی: ماندانا رضائیان عضو کانون وکلای فارس – کارشناس ارشد حقوق

تابستان ۹۷



حقوق جزای اختصاصی

داود ملک جمشیدی عضو کانون وکلای مرکز – کارشناس ارشد حقوق جزا

ویراستار علمی: ماندانا رضاییان عضو کانون وکلای فارس – کارشناس ارشد حقوق

نظارت : مهندس شهرام کرمی و مهندس علی اکبر نکوفر

مسئول فنی : لیلا بعاج زاده

تایپ : سارا نیاکان

طرح جلد : مریم مظفری

قیمت : ۳۰۰۰۰ تومان

آدرس : شیراز - مؤسسه آموزش عالی آزاد فاضل

تلفن : ۰۷۱-۳۲۳۵۳۰۱۶ / ۰۷۱-۳۲۳۵۹۹۰۲

دانشجوی گرامی

حضور در کلاسهای موسسه آموزش عالی فاضل بدلیل حل مسائل متنوع، ارتباط زنده و دو طرفه بین دانشجو و استاد، قرار گرفتن در جو کنکور ، ایجاد انگیزه رقابت ، رفع اشکالات دانشجو و آزمونهای کلاسی که ضمن آن از میزان آمادگی خود مطلع می شوید انتخابی است که نمی توان آنرا با مطالعه یک یا چند کتاب مقایسه کرد .

شرکت در کنکورهای هماهنگ کشوری موسسه آموزش عالی فاضل به شما این امکان را می دهد که جایگاه واقعی خود را در رتبه بندی کشوری بیابید چرا که علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.

اللهم عجل لوليک الفرج

تقدیم بہ پدر و مادر عزیزم

سخن مؤلف:

سپاس خداوندا که توفیق آن را داد تا بتوانم خدمتی ناچیز به جامعه حقوقی عرضه نمایم و اینجانب سعی کردم که با تمام توان در راستای آموزش به داوطلبان کنکورهای حقوقی نگارش این مجموعه را به عهده بگیریم تا شاید بتوانم قدم موثری در موفقیت این داوطلبان برداشته باشم.

در مورد درس جزای اختصاصی ذکر نکاتی با داوطلبان عزیز خالی از لطف نمی باشد، با توجه به این که این درس در کنکور وکالت دارای ضریب ۲ می باشد و جز دروس مهم و ماهوی می باشد بنابراین با توجه به تجربه خودم و مطالعات سوالات کنکورهای وکالت، قضاوت و ارشد در سالهای گذشته می توان اذعان کرد در صورت مطالعه جامع و کامل درصد قابل توجهی از این درس را در آزمون های مذکور کسب کرد و برای نیل به این هدف و آرامش خاطر برای کسب درصدهای بالای و حتی درصد کامل علاوه بر مطالعه قانون مطالعه این کتاب و استفاده از کلاسهای حضوری موسسه پیشنهاد می گردد.

همچنین با توجه به وجود اختلاف نظرهای فراوان در زمینه دروس حقوقی این کتاب خالی از ایراد نخواهد بود لذا از داوطلبان عزیز انتظار می رود نظرات و انتقادات خود را برای رشد کیفی این کتاب اعلام نمایند.

در این راستا از زحمات سرکار خانم مهندس بعاج زاده بابت ویرایش شکلی این کتاب کمال تقدیر و تشکر را دارم.

آرزوی موفقیت شما عزیزان را از ایزد منان خواستارم.

پیروز باشید.

داود ملک جمشیدی عضوکانون وکلای مرکز، کارشناس ارشد حقوق جزا

تابستان ۱۳۹۷

فهرست مطالب

فصل اول: حدود.....	۱
مبحث اول: کلیات	۱
مبحث دوم: انواع حد و مجازات آن	۷
فصل دوم: قصاص و دیات	۱۶
فصل سوم: تعزیرات	۸۴
مبحث اول: جرایم علیه امنیت داخل و خارج	۸۴
مبحث دوم: اهانت به مقدسات و سوء قصد به مقامات داخلی	۹۹
مبحث سوم: سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی	۱۰۰
مبحث چهارم: تهیه و ترویج سکه قلب	۱۰۱
مبحث پنجم: جعل و تزویر	۱۰۳
مبحث ششم: محو یا شکستن مهر و پلمپ و سرقت نوشته ها از اماکن دولتی	۱۳۰
مبحث هفتم: فرار محبوسین قانونی و اخفاء مقصرین.....	۱۳۱
مبحث هشتم: غصب عناوین و مشاغل.....	۱۳۳
مبحث نهم: تخریب اموال تاریخی، فرهنگی	۱۳۴
مبحث دهم: تقصیرات مقامات و مامورین دولتی.....	۱۳۸
مبحث یازدهم: ارتشاء و ربا و کلاهبرداری.....	۱۴۵
مبحث دوازدهم: امتناع از انجام وظایف قانونی	۱۸۳
مبحث سیزدهم: تعدیات مامورین دولتی نسبت به دولت	۱۸۳
مبحث چهاردهم: تمرد نسبت به مامورین دولت.....	۱۸۷
مبحث پانزدهم: هتک حرمت اشخاص	۱۸۷
مبحث شانزدهم: اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایم.....	۱۹۲
مبحث هفدهم: جرایم علیه اشخاص و اطفال.....	۱۹۵
مبحث هجدهم: جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی.....	۲۰۵

مبحث نوزدهم: جرایم بر ضد حقوق تکالیف خانوادگی	۲۰۷
مبحث بیستم: قسم و شهادت دروغ و افشای سر	۲۰۸
مبحث بیست و یکم: سرقت و ربودن مال غیر	۲۰۹
مبحث بیست و دوم: تهدید و اکراه	۲۳۴
مبحث بیست و سوم: ورشکستگی	۲۳۷
مبحث بیست و چهارم: خیانت در امانت	۲۳۷
مبحث بیست و پنجم: احراق و تخریب و اتلاف اموال و حیوانات	۲۴۹
مبحث بیست و ششم: هتک حرمت منازل و املاک غیر	۲۵۶
مبحث بیست و هفتم: افترا و توهین و هتک حرمت	۲۶۰
مبحث بیست و هشتم: تجاهر به استعمال مشروبات الکلی و قماربازی و ولگردی	۲۶۸
مبحث بیست و نهم: جرایم ناشی از تخلفات رانندگی	۲۷۱
فصل چهارم: اختلاس، چک	۲۷۴
مبحث اول: اختلاس	۲۷۴
مبحث دوم: چک	۲۸۵
فهرست منابع	۲۹۱

فصل اول: حدود

مبحث اول: کلیات

در قانون مجازات اسلامی به حدی بودن ۱۲ جرم اشاره شده است. این جرایم عبارتند از: زنا، لواط، تفخیذ، مساحقه، قوادی، قذف، سب النبی، مصرف مسکر، سرقت، محاربه، بغی و افساد فی الارض. تعداد حدود مطرح در قانون سابق (۹) مورد بود که تفخیذ از عنوان لواط جدا شده است. افساد فی الارض از عنوان محاربه جدا شده است. سب النبی و بغی نیز اضافه شده است. نوآوری دیگر قانون جدید در بحث حدود در ماده ۲۲۰ قانون جدید متجلی است که بیان می دارد: «در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است، طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می شود.»

همانطور که اشاره شد به موجب ماده ۱۵ قانون جدید: «حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است.» اجرای حد از نظر اسلام دارای اهمیت اساسی است به علت همین اهتمام شارع در اجرای حدود است که حدود از نظر قواعد و احکام از سایر مجازات ها متمایز است.

همین امر سبب احکام خاص حدود شده است که در ذیل به آن ها اشاره می کنیم:

۱- قاعده منع محاکمه مضاعف که در صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مرتکب و صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مجنی علیه (مواد ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) پذیرفته شده است، در حدود اعمال نمی شود.

۲- قاعده محاسبه مجازات قبلی که در صلاحیت واقعی پذیرفته شده است (ماده ۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) در حدود اعمال نمی شود.

۳- حدود عطف به ماسبق می شوند. (ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)

۴- محاسبه مدت ایام بازداشت متهم که در مجازات های تعزیری اعم از (جزای نقدی، شلاق تعزیری و حبس تعزیری) اعمال می شود در حدود (اعم از شلاق حدی و حبس حدی) اعمال نمی شود. (ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)

۵- تخفیف در حدود امکان ندارد. (ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)

۶- معافیت از مجازات در حدود اعمال نمی شود مگر از طریق عفو و توبه مطابق م ۲۱۹ ق.م.ا.

۷- تعویق صدور حکم در حدود اعمال نمی شود. (ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)

۸- تعلیق اجرای مجازات در حدود امکان ندارد. (ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)

- ۹- نظام نیمه آزادی در حدود نداریم. (ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۰- آزادی مشروط در حدود نداریم. (ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۱- نظارت سامانه الکترونیکی در حدود نداریم. (ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۲- مرور زمان در حدود جایگاهی ندارد. (ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۳- مقررات توبه در حدود متفاوت با تعزیر است. (ماده ۱۱۴ و ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۴- مقررات تعدد و تکرار در حدود متفاوت با تعزیر است. (ماده ۱۳۶ و ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۵- ادله اثبات در حدود، احکام خاص خود را دارد.
- ۱۶- مجازات شروع به جرم و معاونت در حدود، پیش بینی شده است. (ماده ۱۲۲ و ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۷- سردستگی در حدود احکام خاص خودش را دارد. (ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۸- جهل به حکم در حدود پذیرفته شده است. (ماده ۱۵۵ و هم چنین مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ ق.م.ا قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۹- مجازات تبعی و تکمیلی در حدود داریم.

ادله اثبات در حدود

به موجب ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی ادله اثبات جرم عبارتند از: اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در مواد مقرر قانونی و علم قاضی. ولی در حدود ادله اثبات دعوا دارای احکام خاص خود هستند که آن ها را متمایز از ادله اثبات سایر جرایم می کند. این احکام خاص به طور خلاصه عبارتند از:

الف) موضوعیت داشتن اقرار و شهادت

ب) نصاب اقرار و شهادت

ج) عدم اعتبار برخی ادله در حدود

که در ذیل به بیان و توضیح این موارد می پردازیم:

الف) موضوعیت داشتن اقرار و شهادت

ماده ۱۶۱ قانون جدید بیان می دارد: «در مواردی که دعوای کیفری با ادله شرعی از قبیل اقرار و شهادت که موضوعیت دارد، اثبات می شود، قاضی به استناد آن ها رأی صادر می کند، مگر اینکه علم به خلاف آن داشته باشد». در مواردی که ادله موضوعیت دارند، قاضی بعد از ارائه و احراز این ادله به استناد آن ها رأی صادر می کند ولی در مواردی که ادله ای طریقی داشته باشد، پس از ارائه، این ادله باید ایجاد اقناع وجدانی برای قاضی کند تا قاضی بتواند به استناد آنها رأی صادر کند. بنابراین قاضی بررسی می کند که آیا این ادله با قراین همخوانی دارد یا خیر.

در حدود اقرار و شهادت موضوعیت دارد. ماده ۱۷۵ قانون مجازات اسلامی بیان می دارد: «شهادت شرعی آن است که شارع آن را معتبر و دارای حجیت دانسته است. اعم از آنکه مفید علم باشد یا نباشد» و در ماده ۱۷۷ این قانون برای شاهد شرعی شرایطی را مقرر دانسته است.

ب) نصاب اقرار و شهادت در حدود

اقرار عبارت از اخبار شخص به ارتکاب جرم از جانب خود است. (ماده ۱۶۴ قانون مجازات اسلامی) ماده ۱۷۱ همین قانون بیان می دارد: «هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی رسد...» ماده ۱۷۲ همین قانون بیان می دارد: «در کلیه جرایم، یک بار اقرار کافی است، مگر در جرایم زیر که نصاب آن به شرح زیر است:

الف) چهار بار، در زنا، لواط، تفخیز و مساحقه.

ب) دو بار در شرب خمر، قوادی، قذف و سرقت موجب حد.

تبصره (۱): «برای اثبات جنبه غیر کیفری کلیه جرایم، یک بار اقرار کافی است.»

تبصره (۲): «در مواردی که تعدد اقرار شرط است، اقرار می تواند در یک یا چند جلسه انجام شود.»

در ماده ۱۷۳ همین قانون آمده است: «انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست به جز در اقرار به جرمی که مجازات آن رجم یا حد قتل است که در این صورت در هر مرحله ولو در حین اجرا مجازات مزبور ساقط و به جای آن در لواط و زنا صد ضربه شلاق و در غیر آن ها حبس تعزیری درجه (۵) ثابت می شود». علت این صد ضربه شلاق و حبس تعزیری درجه (۵) آن است که در این فرض مرتکب اقرار به جرم کرده است و اقرار به گناه خود، گناه است.

ج) عدم اعتبار برخی ادله در حدود

ماده ۱۸۸ تا ماده ۱۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ در خصوص شهادت بر شهادت است. ماده ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ بیان می دارد: «شهادت بر شهادت شرعی در صورتی معتبر است که شاهد اصلی فوت نموده و یا به علت غیبت، بیماری و امثال آن حضور وی متعذر باشد». ولی شهادت بر شهادت در حدود فاقد اعتبار است. ماده ۱۸۹ قانون مجازات اسلامی بیان می دارد: «جرائم موجب حد و تعزیر با شهادت بر شهادت اثبات نمی شود. لکن قصاص، دیه و ضمان مالی با آن قابل اثبات است».

سقوط مجازات در حدود

فقها اعتقاد دارند که مجازات های حدی، لایتغیر و ثابت هستند و به همین دلیل در میان متون فقهی عباراتی چون «لا کفاله فی الحد» «لا تخفیف فی الحدود» و ... به چشم می خورد. این احکام در ماده ۲۱۹ قانون مجازات اسلامی متجلی شده است که بیان می دارد: «دادگاه نمی تواند کیفیت، نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل یا ساقط نماید. این مجازات ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون قابل سقوط، تقلیل یا تبدیل است». همانطور که ملاحظه می شود تنها راه سقوط مجازات در حدود در این ماده توبه و عفو بیان شده است. از طرف دیگر اعمال قاعده «تدروأ الحدود بالشبهات» در حدود تابع احکام خاصی است که با اعمال آن هم، بسیاری از مجازات های حدی ثابت نمی شود. بنابراین، این مبحث را در دو بخش توبه و اعمال قاعده درآ بیان می کنیم.

اعمال قاعده درآ در حدود

ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی بیان می دارد: «هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیل بر نفی آن یافت نشود، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی شود».

ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی نیز بیان می دارد: «درجرائم موجب حد، به استثنای محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی شود».

بنابراین شبهه در حدود با شرایط آسان تری نسبت به سایر جرائم، موجب سقوط حد می شود، چرا که در همه جرائم بعد از ایجاد شبهه قاضی می بایست اقدام به تحصیل دلیل کند و اگر بعد از تحصیل دلیل کماکان شبهه باقی بود، شبهه مانع اثبات مجازات است ولی در حدود، صرف وجود شبهه، مجازات را ساقط می کند و قاضی تکلیفی به تحصیل دلیل هم ندارد. البته فرض ماده ۱۲۱ این قانون محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف را از شمول این قاعده مستثنی کرده است. در اینکه شبهه چگونه به وجود می آید ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی در این خصوص بیان می دارد: «در جرائم موجب حد هرگاه متهم

ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم بنماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعا کند که اقرار او با تهدید و ارباب یا شکنجه گرفته شده است، ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می شود.

تبصره (۱): «در جرایم محاربه و افساد فی الارض و جرایم منافعی عفت با عنف و اکراه، ربایش یا اغفال، صرف ادعا، مسقط حد نیست و دادگاه موظف به تحقیق و بررسی است».

توبه در حدود

ماده ۱۱۴ تا ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی به بحث توبه اختصاص دارد. در این موارد توبه به عنوان یکی از موارد سقوط مجازات بیان شده است. ماده ۱۱۷ قانون مجازات اسلامی بیان می دارد: در مواردی که توبه مرتکب موجب سقوط یا تخفیف مجازات می شود، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفا نمی شود. چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است، سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی و مجازات اجرا می گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می شود.

ولی در خصوص حدود، توبه احکام خاص خود را دارد که در ماده ۱۱۴ و ماده ۱۱۶ بیان شده است:

ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی: «در جرایم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود حد از او ساقط می گردد. همچنین اگر جرایم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می تواند مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید».

تبصره (۱): «توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است».

تبصره (۲): «در زنا و لواط هر گاه جرم به عنف، اکراه و یا با اغفال بزه دیده انجام گیرد مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آن ها محکوم می شود».

ماده ۱۱۶ قانون مجازات اسلامی: «دیه، قصاص، حد قذف و محاربه با توبه ساقط نمی گردد».

بنابراین با توجه به این دو ماده احکام توبه در حدود را می توان به این نحو دسته بندی کرد:

توبه در تمامی حدود به جز قذف و محاربه ← قبل از اثبات جرم ← سقوط مجازات

توبه در تمامی حدود به جز قذف ← بعد از اثبات جرم

اثبات جرم با اقرار ← موجبات عفو

اثبات جرم با ادله دیگر ← تأثیری ندارد.

توبه در محاربه ←

قبل از دستگیری یا تسلط ← سقوط مجازات

بعد از دستگیری یا تسلط

اثبات با اقرار ← موجبات عفو

اثبات با ادله دیگر ← تأثیری ندارد.

توبه در قذف هیچگونه تأثیری ندارد، چرا که قذف در زمره جرایم حق الناسی می باشد.

توبه در زنا یا لواط به عنف و اکراه یا در حکم آن

قبل از اثبات ← سقوط حد و ثبوت حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو

بعد از اثبات

اگر جرم با اقرار ثابت شود ← موجبات عفو و محکومیت به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو

اگر جرم با ادله دیگر ثابت شود ← تأثیری ندارد.

بنابراین قاعده جدول بالا را می توان به این نحو خلاصه کرد که:

۱- توبه در حد قذف تأثیری ندارد.

۲- توبه در محاربه اگر قبل از دستگیری یا تسلط باشد موجب سقوط مجازات است و بعد از دستگیری در صورتی که شرایط عفو موجود باشد می توان اعمال شرایط عفو نمود.

۳- توبه در سایر جرایم قبل از اثبات موجب سقوط مجازات است و بعد از اثبات اگر شرایط عفو فراهم باشد از موجبات عفو است.

۴- شرط عفو، اثبات جرم با اقرار است.

جهل در حدود

قاعده کلی آن است که جهل به قانون مسموع نیست. این قاعده در ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی بیان شده است که بیان می دارد: «جهل به حکم مانع از مجازات مرتکب نیست، مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود».

تبصره: «جهل به نوع یا میزان مجازات مانع از مجازات نیست».

منظور از مواردی که جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود، همان حدود است. این مسئله در ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی بیان شده است که بیان می دارد: «در جرایم موجب حد، مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد».

مبحث دوم: انواع حد و مجازات آن

زنا

مفهوم] جماع مرد با زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده و از موارد و طی به شبهه نیز نباشد. جماع با دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه گاه در قُبُل یا دُبُر زن محقق می شود.

زنا با نابالغ

نابالغ مجازات حد زنا را تحمل نمی کند بلکه به اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در کتاب اول ق.م.ا محکوم می شود.

زنا با میت

مستوجب اجرای حد زنا است.

مگر جماع زوج با زوجه متوفی خود که زنا نیست ولی موجب ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه ۶ می شود.

زنا به و طی به شبهه

اگر متهم به زنا مدعی زوجیت یا و طی به شبهه شود] ادعای بدون بینه و سوگند پذیرفته می شود. مگر خلاف آن با حجت شرعی لازم ثابت شود.

نوع زنا	نوع حد
۱- زنا با محارم نسبی	اعدام زانی و زانیه (مگر زانیه مکره باشد)
۲- زنا با زن پدر	اعدام زنی رجم یا جلد زانیه برحسب محسن یا غیرمحسن بودن
۳- زنا با مرد غیرمسلمان یا زن مسلمان	اعدام زانی رجم یا جلد زانیه برحسب محسن یا غیرمحسن بودن
۴- زنا با عتق و اکراه از سوی زانی	اعدام زانی اگر زن باکره باشد ← زانی به پرداخت ارش البکاره و مهرالمثل هم علاوه بر اجرای حد محکوم می شود. اگر زن باکره نباشد زانی فقط به پرداخت مهر المثل علاوه بر اجرای حد محکوم می شود.
۵- زنا با زنی که رضایت به زنا نداشته باشد، زنا در حال بی هوشی، خواب یا مستی زن، زنا با فریب و اغفال دختر نابالغ با ربودن تهدید یا ترساندن او اگر چه او تسلیم شده باشد.	در حکم زنا با عتق و اکراه است.
۶- زانی محسن باشد یا زانیه محسنه باشد.	مجازات زانی محسن یا زانیه محسنه رجم است. * با عدم امکان رجم؛ با پیشنهاد دادگاه صادر کننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه: - اگر جرم با بینه ثابت شده باشد به جای رجم، اعدام اجرا می شود. - اگر جرم یا غیربینه ثابت شده باشد به جای رجم، صد ضربه شلاق اجرا می شود.
۷- در زنا با محسنه اگر زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد.	زانیه به صد ضربه شلاق محکوم می شود، زانی مجازات نمی شود.
۸- زنا با محارم نسبی اگر زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد.	زانیه به صد ضربه شلاق محکوم می شود، زانی مجازات نمی شود.
۹- زنا توسط مرد دارای همسر قبل از دخول با همسر خود	مجازات مرد؛ صد ضربه شلاق تراشیدن موی سر تبعید به مدت یک سال قمری
۱۰- زنا در صورتیکه مرتکب غیرمحسن باشد.	مجازات مرتکب غیرمحسن؛ صد ضربه شلاق
۱۱- در هر مورد که زانی یا زانیه کمتر از ۴ بار اقرار به زنا کند.	۳۱ ضربه تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه ۶ در مورد او اجرا می شود.

احسان

وضعیت مردی است که دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالیکه بالغ و عاقل بوده از طریق قبل با وی در حال بلوغ جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع را با طریق قبل را با وی داشته باشد.
وضعیت زنی است که دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالیکه بالغ و عاقل بوده با او از طریق قبل جماع کره باشد و امکان جماع از طریق قبل را با شوهر داشته باشد.
مسافرت، حبس، حیض، نفاس، بیماری مانع از مقاربت یا بیماری که موجب خطر برای طرف مقابل می گردد مانند ایدز و سفلیس زوجین را از احسان خارج می کند.

لواط (م ۲۳۳ الی ۲۴۱ ق.م.ا)

مفهوم

دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه گاه در دُبر انسان مذکر

نوع لواط و مرتکب آن	حد لواط
۱- فاعل لواط در لواط به عنف و اکراه	اعدام فاعل
۲- فاعل لواط با وجود شرایط احسان در فاعل (احسان یعنی اینکه مرد، همسر دائمی و بالغ داشته و در حالیکه بالغ و عاقل بوده و از قُبُل با همان همسر در حال بلوغ جماع کرده و هر وقت بخواهد امکان جماع از همان طریق را با وی داشته است).	اعدام فاعل
۳- فاعل لواط اگر فاعل غیرمسلمان باشد و مفعول مسلمان	اعدام فاعل
۴- فاعل لواط اگر لواط غیرعنف بوده و فاعل شرایط احسان را نداشته است.	۱۰۰ ضربه شلاق برای فاعل
۵- مفعول در لواط	حد لواط برای مفعول در هر صورت (وجود با عدم وجود شرایط احسان اعدام است).

تفخیز (م ۲۳۵ الی ۲۳۷ ق.م.ا)

مفهوم

- قرار دادن اندام تناسلی مرد بین رانها یا نشیمن گاه انسان مذکر
- دخول کمتر از ختنه گاه در حکم تفخیز است.

نوع تفخیز	حد تفخیز
۱- فاعل و مفعول تفخیز اعم از اینکه محصن باشند یا غیرمحصن باشند.	۱۰۰ ضربه شلاق
۲- اگر در تفخیز فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد.	فاعل اعدام می شود، مفعول به ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم می شود.
۳- همجنس گرایی مردان به کمتر از لواط و تفخیز مثل تقبیل و ملاسمه از روی شهوت	۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه ۶ برای هر یک اجرا می شود.

مساحقه (م ۲۳۸ الی ۲۴۱ ق.م.ا)

مفهوم

هرگاه انسان مونث اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی هم جنس خود قرار دهد.

حد مساحقه برای فاعل و مفعول اعم از مسلمان و غیرمسلمان، محصن و غیرمحصن به علف و غیرعلف، «صد ضربه شلاق» است.

نکته

- در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرایم منافعی علف و انکار متهم، هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است.
- موارد احتمال ارتکاب به علف، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب به علف است، از شمول این حکم مستثنی است.

قوادی (م ۲۴۲ الی ۲۴۴ ق.م.ا)

- مفهوم**
- قوادی عبارت است از بهم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط
 - در قوادی تکرار عمل شرط تحقق جرم نیست.
 - اجرای حد بر قواد منوط است به تحقق زنا یا لواط در نتیجه قوادی

حد قواد	کیفیت قوادی
۷۵ ضربه شلاق	حد قواد برای مرد قواد در مرتبه اول
۷۵ ضربه شلاق و تا یک سال تبعید	حد قواد برای مرد قواد در مرتبه دوم
۷۵ ضربه شلاق	حد قواد برای زن قواد
مرتکب به ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری و حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود.	اگر قواد منجر به تحقق زنا و لواط نشود
مرتکب قوادی به ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری و حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود.	اگر قوادی در رساندن دو یا چند نابالغ برای زنا و لواط باشد.

ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵

افراد زیر به حبس یک تا ده سال محکوم می شوند و در مورد بند الف علاوه بر مجازات مقرر محل مربوطه به طور موقت با در نظر دادگاه بسته خواهد شد:

الف- کسی که مرکز فساد یا فحشا دایر یا اداره کند.

ب- کسی که مردم را به فساد و فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید/

تبصره- هرگاه برعمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور، به حد قوادی نیز محکوم می گردد.

مصرف مسکر (م ۲۶۴ الی ۲۶۶ ق.م.ا)

مفهوم	مصرف مسکر از قبیل	- خوردن
		- تزریق
		- تدخین آن
چه میزان مسکر		- کم باشد یا زیاد باشد
		- جامد باشد یا مایع باشد
		- مست کند یا نکند
		- خالص باشد یا مخلوط به گونه ای که آن را از مسکر بودن خارج نمی کند

نکته

خوردن فُقاق (آب جو مسکر) موجب حد است هر چند مستی نیاورد.

حد مسکر	کیفیت مصرف مسکر
۸۰ ضربه شلاق	۱- حد مصرف مسکر
۸۰ ضربه شلاق	۲- حد مصرف مسکر برای غیرمسلمان فقط در صورت تظاهر به مصرف
مجازات مقرر برای تظاهر به فعل حرام	۳- مصرف مسکر توسط غیرمسلمان به نحو غیرعلنی ولی ظاهر شدن در معابر و اماکن عمومی در حال مستی

ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵

هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می گردد و در صورتی که مرتکب عمل شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی باشد ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

محاربه

«محاربه» کلمه ای است عربی که در فارسی به معنای «جنگیدن»، «ستیز کردن»، «پیکار کردن» و کلماتی از این قبیل معنا شده است.

منظور از احراز رابطه سببی بین نتیجه و رفتار فیزیکی در جنایات منتهی به مرگ مجنی علیه آن است که بتوان ثابت نمود که نه تنها اگر رفتار متهم نبود مرگ رخ نمی داد بلکه رفتار جانی و نتیجه واقع شده برمجنی علیه رابطه سببی عرفا موثری وجود داشته است به نحوی که نتیجه با کمترین تفاوت فاحش و با همان شیوه منظور و قابل پیش بینی جانی واقع شده است.

وجود فاصله زمانی بین جراحت و مرگ

وجود فاصله زیاد بین جراحت و مرگ مسوولیت مرتکب را نفی نمی کند مثل فردی که عمدا با رابطه جنسی پرخطر ویروس ایدز را به قربانی منتقل می کند و قربانی سالها بعد می میرد که در این حال مبتلا کننده در صورت علم به مبتلا بودن خود به ایدز و وجود قصد مبتلا کردن مقابل قاتل است.

جنایت بر مبنای عنصر روانی
 - عمدی
 - شبه عمدی
 - خطای محض

قصد فعل	قصه نتیجه
دارد	دارد
دارد	ندارد
ندارد	ندارد

جنایت عمدی: (ماده ۲۹۰ ق.م.ا) ←

جنایت شبه عمد: (ماده ۲۹۱ ق.م.ا) ←

جنایت خطای محض: (ماده ۲۹۲ ق.م.ا) ←

بنابر یک تقسیم بندی در قسمت جنایات، جرایم به دو قسمت تقسیم می

شوند:

تساوی در دین

در جنایات عمدی با لحاظ ماده ۳۱۰ ق.م.ا.



مجازات	مجنی علیه	مرتکب
مرتکب قصاص می شود	- مسلمان غیرمسلمان ذمی غیرمسلمان مستامن غیرمسلمان معاهد	غیرمسلمان
مرتکب قصاص نمی شود ولی اجرای مقررات ماده ۶۱۲ ق.م.ا.ت صورت می پذیرد	غیرمسلمان غیرذمی غیرمسلمان غیرمستامن غیرمسلمان غیرمعاهد	مسلمان ذمی مستامن معاهد

کافر ذمی: کافر کتابی که جزیه قانونی (مالیات) به جامعه اسلامی می دهد.

کافر مستامن: کافری که با حکومت اسلامی عقد ذمه منعقد نکرده است ولی با اذن دولت اسلامی به منظور تجارت یا سفارت و یا نیاز دیگر وارد قلمرو اسلامی می شود و چون به او امان از تعرض داده می شود و او را مستامن در مقابل معاهد گویند.

کافر معاهد: کافری است که با حکومت اسلام پیمان صلح برقرار کرده است و امان او موقت است.

غیرمسلمان در حکم مستامن



۱- غیرمسلمان، غیر ذمی، غیر مستامن و غیرمعاهد که تابعیت ایران را دارد.

منظور از موضوع جرم، چیزی است که عمل مرتکب بر آن واقع می شود و به عبارتی دیگر، ارزشی که مقنن تجاوز و تعدی به آن را جرم می شمارد موضوع آن جرم است.

موضوع جرم در قتل عمدی، حیات انسان است و به عبارت دیگر انسان زنده دیگری با حیات مستقر غیر از مرتکب است. لذا، سلب حیات از جنین در هر مرحله ای که باشد قتل محسوب نمی شود و عنوان سقط جنین را دارد.

۴. وسیله جرم

همانطور که ذکر شد وسیله در تحقق جرم قتل عمدی موضوعیت ندارد، به عبارت دیگر ویژگی خاصی در وسیله برای ارتکاب، جرم قتل عمدی شرط نیست لذا اگر مرتکب با هر وسیله از دیگری سلب حیات کند قتل محقق شده است.

۵. نتیجه در جرم قتل عمدی

همانطور که ذکر شد نتیجه در این جرم سلب حیات یا همان مرگ می باشد. قتل از جمله جرایم آنی و مقید به نتیجه است.

قانونگذار در این خصوص در ماده ۴۹۲ ق.م.ا. چنین مقرر داشته است: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد، اعم از آن که به نحو مباشرت یا به تسبیت یا به اجتماع آنها انجام شود.»

۶. زمان و مکان در جرم قتل عمدی

زمان و مکان در وقوع جرم قتل عمدی نقشی ندارد ولی در مجازات مرتکب می تواند موثر باشد به طور مثال اگر عمل و نتیجه هر دو در یکی از چهار ماه حرام اتفاق بیفتد و یا در حرم مکه معظمه واقع شود باعث تغلیظ دیه می شود یعنی یک سوم به دیه قتل افزوده می شود.

تغلیظ دیه مخصوص قتل نفس است و در جنایت بر اعضاء و منافع جاری نیست.

در حکم تغلیظ دیه فرقی میان بالغ و غیربالغ، زن و مرد و مسلمان و غیرمسلمان نیست. سقط جنین نیز پس از پیدایش روح، مشمول حکم تغلیظ است. تغلیظ دیه، در مواردی که عاقله یا بیت المال پرداخت کننده دیه باشد نیز جاری است. در قتل عمدی که به علت عمدی امکان قصاص یا عدم جواز دیه پرداخت می شود نیز این حکم جاری است.

اول قصاص می شود و نفر دوم به مجازات جنایت برمیت محکوم می گردد. حکم این ماده و ماده (۳۷۱) این قانون در مورد جنایات غیر عمدی نیز جاری است.

مجازات شرکا در جرم جنایت عمد:

در خصوص مجازات شرکا در قتل عمدی قانونگذار در ماده ۳۷۳ ق.م.ا، چنین مقرر داشته است: «در موارد شرکت در جنایت عمدی، حسب مورد، مجنی علیه یا ولی دم می تواند یکی از شرکاء در جنایت عمدی را قصاص کند و دیگران باید بلافاصله سهم خود از دیه را به قصاص شونده بپردازند و یا این که همه شرکا یا بیش از یکی از آنان را قصاص کند، مشروط بر این که دیه مازاد بر جنایت پدید آمده را پیش از قصاص، به قصاص شونده بپردازد. اگر قصاص شونده همه شرکاء نباشند، هر یک از شرکاء که قصاص نمی شود نیز باید سهم خود از دیه جنایت را به نسبت تعداد شرکاء بپردازد.»

همانطور که مشخص است مجازات شرکاء در قتل عمد نیز قصاص است، البته اولیاء دم برای اجرای قصاص شرکاء باید فاضل دیه را به آنها پرداخت نمایند.

در این خصوص نکته ای که در تبصره ماده ۴۷۳ ق.م.ا، بیان شده قابل ذکر است که چنین مقرر داشته است: «اگر مجنی علیه یا ولی دم، خواهان قصاص برخی از شرکا باشد واز حق خود نسبت به برخی دیگر مجانی گذشت کند یا آن مصالحه نماید، در صورتی که دیه قصاص شونده بیش از سهم جنایتشان باشد، باید پیش از قصاص، مازاد دیه آنان را به قصاص شونده بپردازد.»

* سهم شرکاء در دریافت دیه مساوی است و میزان آن برابر است با میزان بی تقصیری آنها در تحقق نتیجه، بنابراین وقتی دو نفر مرتکب قتل می شوند هر یک از آنها یک دوم گناهکار و یک دوم بی گناه بوده است.

«ولی دم می تواند برخی از شرکاء در قتل را با پرداخت دیه مذکور در این ماده قصاص نماید و از بقیه شرکاء نسبت به سهم دیه اخذ نماید.»

«قتل عمد موجب قصاص است لکن با رضایت ولی دم و قاتل به مقدار دیه کامل یا به کمتر یا زیاده از آن تبدیل می شد». چنانچه ولی دم از قصاص گذشت کند، قاتل یا قاتلان (شرکاء) موظف به پرداخت دیه هستند و موافقت آنان شرط نیست. ماده ۳۵۹ و ۳۶۰ ق.م.ا. در این خصوص چنین مقرر داشته اند: ماده ۳۵۹ ق.م.ا. «در موارد ثبوت حق قصاص، اگر قصاص مشروط به رد فاضل دیه نباشد، مجنی علیه یا ولی دم، تنها می تواند قصاص یا گذشت نماید و اگر خواهان دیه باشد، نیاز به مصالحه با مرتکب و رضایت او دارد.»

الف) عدم بلوغ: اگر فرد نابالغ مرتکب جنایت شود مسئولیت کیفری ندارد و جنایت او خطای محض محسوب می شود و عاقله او عهده دار پرداخت دیه خواهد بود

ب) جنون: اگر فرد مجنون مرتکب جنایت شود مسئولیت کیفری ندارد و جنایت او خطای محض محسوب می شود و عاقله او عهده دار پرداخت دیه خواهد بود. بند ب ماده ۲۹۲ ق.م.ا: «جنایتی که به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد خطای محض محسوب می شود.»

اول. اکراه در جنایت بر نفس، ماده ۳۷۵: اکراه در قتل مجوز قتل نیست و مرتکب قصاص می شود و اکراه کننده به حبس ابد محکوم می گردد. ۱. اگر اکراه شونده طفل غیرممیز یا مجنون باشد، فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است. ۲. اکراه اکراه شونده طفل ممیز باشد عاقله ی او دیه ی مقتول را می پردازد و اکراه کننده به حبس ابد محکوم می شود. **دوم. اکراه در جنایت نسبت به عضو:** موجب قصاص اکراه کننده می شود (ماده ۳۷۷ ق.م.ا).

۱. اکراه بر جنایت نسبت به شخص ثالث

پ) اکراه در قتل عمدی: اکراه در قتل مجوز قتل نیست و مجازات اکراه کننده حبس ابد است و مجازات مرتکب قصاص است.

جنایت عمدی و عوامل رفع مسئولیت کیفری

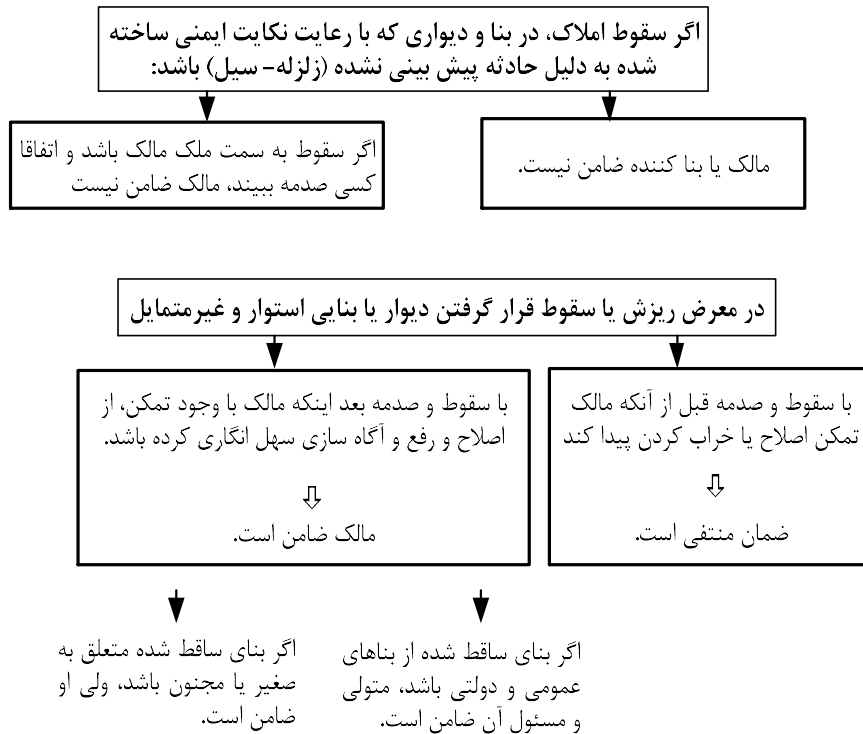
۲. هرگاه کسی دیگری را به رفتاری اکراه کند که موجب جنایت بر اکراه شونده گردد، جنایت عمدی است و اکراه کننده قصاص می شود مگر اکراه کننده قصد جنایت بر او را نداشته و آگاهی و توجه به این که این اکراه نوعا موجب جنایت بر او می شود نیز نداشته باشد که در این صورت جنایت شبه عمدی است و اکراه کننده به پرداخت دیه محکوم می شود.

ت) جنایت عمد در حال مستی: ارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر، روان گردان و مانند آنها، موجب قصاص است. مگر این که ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی، مرتکب به کلی مسلوب الاختیار بوده است، که در این صورت، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می شود. لکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلا خود را برای چنین عملی مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی ولو نوعا موجب ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن از جانب او می شود، جنایت، عمدی محسوب می گردد.

ث) جنایت در حالت خواب و بیهوشی: هر کس در حال خواب، بی هوشی و مانند آنها، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود مجازات نمی گردد مگر این که شخص با علم به این که در حال خواب یا بی هوشی مرتکب جرم می شود، عمدا بخواهد و یا خود را بی هوش کند. اگر کسی در حال خواب یا بی هوشی و مانند آن مرتکب جنایت [مانند قتل] بر روی دیگری شود جنایت ارتكابی توسط وی خطای محض محسوب می شود. ولی اگر مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعا موجب جنایت بر دیگری می گردد، جنایت عمدی محسوب می شود.

نکته

اگر عمل غیرمجاز باعث حادثه باشد، کسی ضامن است که عمل مستند به اوست اگر عمل مستند به مهندسین ساختمان باشد، پس مالک ساختمان ضامن نیست. (تبصره م ۵۱۷)



- ضممان روشن کننده آتش (م ۵۲۱ ق.م.ا)
- اگر آتش در ملک خود فرد یا مکان مجاز باشد.
 - و روشن کننده عالم باشد که به جایی سرایت نمی کند.
 - و غالبا هم سرایت نکند.



اما اتفاقا سرایت کند؛
روشن کننده ضامن نیست.

ضمان صاحب حیوان
(مواد ۵۲۲ الی ۵۲۵ ق.م.ا)

- عامل فرار موظف به تحویل جانی است. ➤ - در صورت عدم تحویل جانی، عامل فرار زندانی می شود و تا تحویل وی در زندان باقی می ماند. - اگر متهم غیابا محاکمه و برائت حاصل کند و یا قتل شبه عمد یا خطئی تشخیص داده شود، عامل فرار به شش ماه تا ۳ سال حبس محکوم می شود. - اگر فراری فوت کند یا تحویل وی ممتنع شود فراری دهنده به پرداخت دیه به اولیا دم مقتول محکوم خواهد شد.	- اقدام به مساعدت یا تسهیل یا تبانی و مواضعه در فرار کسی نماید که محکوم به قصاص یا متهم به قتل عمد است: - اقدام به مساعدت یا تسهیل یا تبانی و مواضعه در فرار کسی نماید که محکوم به دیه است:
---	---

راه های ثبوت جنایت

قانونگذار در فصل چهارم از کتاب سوم ق.م.ا. به بیان راه های اثبات پرداخته و در ماده ۳۱۲ ق.م.ا. مقرر داشته است که: جنایت علاوه بر طرق مقرر در کتاب اول «کلیات» این قانون از طریق قسامه نیز ثابت می شود.

بنابراین جرم قتل عمدی از طریق ۱- اقرار ۲- شهادت ۳- علم قاضی ۴- سوگند ۵- قسامه قابل اثبات است.

۱. اقرار

با اقرار به قتل عمد گرچه یک مرتبه هم باشد قتل عمد ثابت می شود. این امر از ماده ۱۷۲ ق.م.ا. استنباط می شود که چنین مقرر داشته است: «در کلیه جرایم یک بار اقرار کافی است.» انکار بعد از اقرار هم در مورد قتل عمدی مسموع نیست ماده ۱۷۳ ق.م.ا. در این خصوص مقرر داشته است که انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست به جز اقرار به جرمی که مجازات آن رجم یا حد قتل است... لذا به دلیل اینکه قتل عمدی جزء جرایم موجب قصاص است و نه جزء جرایم موجب حد لذا حکم این ماده در خصوص اقرار به قتل عمدی حاکم نبوده و انکار فرد بعد از اقرار به ارتکاب آن مسموع نخواهد بود.

* در کلیه ی جرایم یک بار اقرار کافی است، مگر در جرایم زیر که نصاب آن به شرح زیر است:

۱. چهار بار اقرار؛ در زنا، لواط، تفخیز و مساحقه.

۳- به این مأمورین دولتی آموزش لازم داده شده باشد یعنی با توجه به طبیعت کار به طور عملی و نظری با نحوه کار خود آشنا شده باشند.

۴- توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی شوند. پس تخلیه اطلاعاتی توسط افرادی که نتوان آن ها را دشمن نامید مشمول این ماده نمی شود. مثلاً نمی توان هر شخص خارجی فاقد صلاحیت را دشمن نامید. منظور از دشمن هر فرد یا گروهی است که با ایران دشمنی داشته و در حال جنگ باشد یا خطرناک بودن وی به طور بالقوه برای نظام به اثبات رسیده باشد.

عنصر روانی این ماده (جرم) بی مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی می باشد، به عبارت دیگر حتی اگر مأمور دولتی عامداً و عالماً این کار را نکند ولی در کار خود بی مبالاتی و بی احتیاطی کند که زمینه را برای تخلیه اطلاعات توسط دشمن را فراهم کند مشمول این ماده می شود. برخلاف کسانی که معتقدند که در بزه مورد نظر عنصر مادی وجود ندارد و فعل و ترک فعلی از سوی شخص سر نمی زند.

بایستی گفت که این نظر صحیح نمی باشد زیرا همین ارائه اطلاعات به دشمنان عنصر مادی جرم مورد نظر می باشد. موضوع این جرم اطلاعات طبقه بندی شده است. به طور کلی اطلاعات به ۴ دسته تقسیم می شوند: ۱- محرمانه ۲- خیلی محرمانه ۳- سری ۴- به کلی سری

جاسوسی یک جرم عمدی است ولی جرم موضوع این ماده (تخلیه اطلاعاتی شدن توسط دشمن) یک جرم غیرعمدی است که عنصر معنوی آن خطای جزایی است که عبارت است از بی مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی. مثلاً مأمور حفاظتی اتاق خود را کنترل نکرده و متوجه استراق سمع به وسیله دستگاه نشود، نشود.

برای تحقق جرم موضوع ماده ۵۰۶ باید مأمور دولتی توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی شود، لذا صرف دادن اطلاعات به دیگران یا اشخاص فاقد صلاحیت کفایت نمی کند، بلکه گیرنده اطلاعات باید کسی باشد که اطلاق لفظ دشمن به وی ممکن باشد.

جرم موضوع این ماده یک جرم مطلق است. یعنی به صرف تخلیه اطلاعات جرم محقق می شود.

تخلیه اطلاعاتی ممکن است به طور کتبی هم صورت پذیرد مثلاً فرد در اثر سهل انگاری اطلاعات خود را به طور مکتوب، مستقیم یا غیرمستقیم برای دشمنان ارسال کند و همانطور که می دانیم عنصر مادی این جرم ارائه اطلاعات به دشمنان می باشد در نتیجه صرف اینکه وی اسناد حاوی اطلاعات را در جای نامناسبی گذاشته و آن اسناد توسط دشمنان دزدیده شود را شاید نتوان تخلیه اطلاعاتی دانست.

در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ مشابه این جرم در مواد ۲۷ و ۲۸ برای نظامیان هم جرم انگاری شده است.

نام شخصی بسازد که فقط قصد شوخی کردن یا خنداندن دیگران را داشته باشد، جرم جعل تحقق نمی یابد.

نکته ای که در این جا لازم است این که منتفع شدن یا قصد منتفع شدن از سوی شخص جاعل لازم نمی باشد به طوریکه شعبه دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۹۰۴ مورخ ۱۳۱۹/۹/۱۰ بیان داشته است: «در بزه جعل حتما شرط نیست که شخص مرتکب استفاده نماید بلکه، با تحقق سایر ارکان و عناصر بزه مزبور، اگر استفاده غیر هم ولو به نحو امکان و قابلیت، محرز گردد، عمل جعل خواهد بود.»

علاوه بر این، قصد انتفاع برای شخص ثالث نیز لازم نمی باشد، بلکه قصد ایراد ضرر کافی می باشد، برخلاف جرم کلاهبرداری که قصد انتفاع شخص کلاهبردار یا قصد انتفاع برای شخص دیگر برای تحقق آن لازم است. (کلاهبرداری: ضرر + انتفاع / جعل : فقط قصد ایراد ضرر)

نکته لازم به ذکر آن که در بحث عنصر روانی، تقارن بین عنصر روانی و عنصر مادی ضروری می باشد. بنابراین اگر کسی چکی را که به نام شخص دیگری است به تصور اینکه به نام خودش است امضاء کند و بعد از آن به عنوان سند امضا شده توسط دیگری استفاده کند، نمی توان وی را جاعل امضاء نامید زیرا در زمان امضاء عنصر روانی لازم برای تحقق جرم جعل وجود نداشته و او با حسن نیت آن را امضا کرده است و قصد ایراد ضرر را نداشته است ولی استفاده بعدی او استفاده از سند مجعول می باشد.

استفاده از سند مجعول

منظور از استفاده از سند مجعول صرف ارائه، تسلیم و انتشار آن می باشد و فایده عملی بردن از آن لازم نمی باشد.

برای تحقق این جرم شرایطی لازم است:

۱- سند یا نوشته ماهیتا مجعول باشد بنابراین اگر کسی چکی را به نام شخص دیگری است امضا کند جاعل محسوب می شود و استفاده بعدی از آن، چه به نتیجه برسد چه نه (یعنی از این طریق مال دیگری را ببرد یا نه) استفاده از سند مجعول می باشد.

۲- در جرم استفاده از سند مجعول، همانند جرم جعل بایستی قابلیت ورود ضرر محرز گردد.

۳- برخلاف جرم کلاهبرداری که در آن بایستی یک انسان فریب بخورد، در جرم استفاده از سند مجعول این کار می تواند با استفاده از یک دستگاه یا ماشین رخ دهد مثلا کسی که از کارت بانک جعلی استفاده کند از این طریق پولی بدست آورد. البته به موجب قانون جرایم رایانه ای برای تحقق کلاهبرداری اینترنتی لازم نیست که قربانی جرم انسان باشد.

وی در زندان باقی می ماند و چنانچه متهم غیاباً محاکمه و برائت حاصل کند و یا قتل شبه عمد یا خطئی تشخیص داده شود عامل فرار به مجازات تعیین شده در ذیل بند (الف) محکوم خواهد شد و اگر فراری فوت کند و یا تحویل وی ممتنع شود چنانچه حکوم به قصاص باشد فراری دهنده به پرداخت دیه به اولیای دم مقتول محکوم خواهد شد.

ج- اگر متهم یا محکومی که فرار کرده محکوم به امر مالی یا دیه باشد عامل فرار علاوه بر مجازات تعیین شده در ذیل بند الف ضامن پرداخت دیه و مال محکوم به نیز خواهد بود.

ماده ۵۵۰: هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی که طبق قانون مأمور دستگیری کسی بوده و در اجرای وظیفه دستگیری مسامحه و اهمال کرده باشد به پرداخت یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و چنانچه مسامحه و اهمال به قصد مساعدت بوده که منجر به فرار وی شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم میشود.

ماده ۵۵۱: اگر عامل فرار از مأمورین مذکور در ماده (۵۴۹) نباشد و عامداً موجبات فرار اشخاصی که قانوناً زندانی یا دستگیر شده اند را فراهم آورد به طریق ذیل مجازات خواهد شد:

الف- چنانچه زندانی محکوم به اعدام یا حبس دایم یا رجم یا صلب بوده مجازات او یک تا سه سال حبس و اگر زندانی متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام یا رجم یا صلب است مجازات از شش ماه تا دو سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی و یا مجازات قانونی توقیف شده غیر از موارد فوق الذکر باشد مجازات او سه ماه تا یک سال حبس خواهد بود.

ب- اگر زندانی محکوم به قصاص باشد عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می باشد و در صورت عدم تحویل زندانی می شود و تا تحویل وی در زندان باقی می ماند. چنانچه فراری فوت کند و یا تحویل وی ممتنع شود فراری دهنده به پرداخت دیه به اولیای دم مقتول محکوم خواهد شد.

ماده ۵۵۲: هر کس به شخص زندانی یا توقیف شده برای مساعدت به فرار اسلحه بدهد به حبس از دو تا پنج سال محکوم می شود.

ماده ۵۵۳: هر کس شخصی را که قانوناً دستگیر شده و فرار کرده یا کسی را که متهم است به ارتکاب جرمی و قانوناً امر به دستگیری او شده است مخفی کند یا وسایل فرار او را فراهم کند به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد:

عنصر قانونی

ماده یک قانون تشدید و ماده ۱۳ جرایم رایانه ای

- مرتکب: در این جرم هر کسی می تواند باشد و مرتکب دارای ویژگی خاص نیست.
- رفتار مجرمانه: به صورت فعل انجام می شود.
- موضوع جرم: مال متعلق به دیگری می باشد.
- وسیله: دارای اهمیت خاص می باشد و باید متقلبانه باشد.
- نتیجه: کلاهبرداری جرم مقید است و نتیجه در این جرم ضرر به قربانی و انتفاع مالی کلاهبردار یا شخص مورد نظر وی می باشد.
- زمان و مکان: در این جرم تأثیری ندارد.
- ویژگی بزه دیده: ویژگی خاصی شرط نیست.

عنصر مادی

- علم به حکم مفروض است
- علم به موضوع باید وجود داشته باشد یعنی مرتکب بداند مال دیگری را می برد
- سوء نیت عام: مرتکب قصد توسل به وسایل متقلبانه داشته باشد.
- سوء نیت خاص: مرتکب قصد بردن مال دیگری و ورود ضرر به غیرو انتفاع مالی خود یا شخص مورد نظرش را داشته باشد
- انگیزه در این جرم تأثیری ندارد

- علم

- سوء نیت

عنصر معنوی

✓ ضابطه تشخیص وسیله متقلبانه ← نوعی و عینی است و اثبات توسل به وسیله متقلبانه با مقام قضایی می باشد.

✓ وسیله مورد استفاده کلاهبردار ممکن است از لحاظ شکل و ظاهر هم تقلبی باشد. مثل این که با استفاده از سند مجعول مال دیگری را ببرد. که در این گونه موارد می توان وی را هم به ارتکاب جرم جعل و هم کلاهبرداری محکوم کرد.

✓ در صورتی که کلاهبرداری و استفاده از سند مجعول، مقارن هم واقع شوند (یعنی عمل واحد، هر ۲ عنوان را داشته باشد) مشمول تعدد معنوی می شود.

✓ توسل به وسله متقلبانه باید مقدم بر تحصیل مال و برای تحصیل مال انجام شود.

✓ اگر عاریه گیرنده با توسل به وسایل متقلبانه و نمود کند که مورد عاریه از او به سرقت رفته و آن مال را تصاحب کند. در صورت وجود سایر شرایط ممکن است خیانت در امانت محسوب شود.

✓ عمل بدهکاری که با جعل سند وانمود می کند که بدهی خود را به طلب کار باز پرداخت کرده ← کلاهبرداری نیست.

✓ عمل تاجری که با دست بردن در دفاتر تجاری اش خود را معاف از پرداخت مالیات قلمداد می کند ← کلاهبرداری نیست.

✓ رفتار موجری که با جعل اسناد و نمود می کند که چک های تضمینی پرداخت اجاره بها را به مستأجر مسترد کرده ← کلاهبرداری نیست.

✓ اغفال شدن و فریب خوردن قربانی که مستلزم عدم آگاهی نسبت به متقلبانه بودن وسیله می باشد (ضابطه شخصی) ← برای تحقق کلاهبرداری وجود رضایت بزه دیده شرط است هر چند رضایت وی ظاهری و ناشی از فریب می باشد. بنابراین در مواردی که مال به واسطه اجبار- زور- رضایت واقعی و ... برده شود کلاهبرداری محقق نمی شود.

✓ لازمه ی اغفال و فریب قربانی عدم آگاهی قربانی نسبت به متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده کلاهبردار می باشد. اگر چند نفر مأمور کشف جرم برای خرید دلار تقلبی از متهم به او مراجعه نمایند و نامبرده دلارهای تقلبی را به آنها عرضه نماید به دلیل آنکه مأمورین کشف جرم نسبت به دلارهای تقلبی آگاهی دانسته اند این عمل کلاهبرداری و حتی شروع به کلاهبرداری نیست.

✓ مردی که با توسل به وسیله متقلبانه یا عملیات خود را دارای صفت خاصی جلوه می دهد و یا دختری ازدواج می کند و جهیزه ی وی را می برد یا کسی که با مدرک جعلی در شرکتی استخدام می شود و حقوق دریافت می کند عمل آن ها را نمی توان کلاهبرداری دانست زیرا ازدواج و استخدام رابطه

دوم آنکه: طبق رویه قضایی منعکس شده در آرای دیوان عالی کشور افرادی که تحت حمایت ماده ۶۰۹ (قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) هستند باید متصدی اعمال حاکمیت باشند و نه اعمال تصدی. اعمال حاکمیتی اعمالی هستند که دولت از حیث برخورداری از قدرت عمومی در راستای اعمال قدرت عمومی انجام می دهد، مثل اعمال انتظامی و قضایی. ولی اعمال تصدی دولت با اعمال سایر افراد تفاوتی ندارد مثل اعمال یک بانک دولتی که با بانک خصوصی هیچ فرقی ندارد. البته دکتر میرمحمد صادقی طبق نص ماده، وجهی برای چنین تفکیکی قابل نیستند.

سوم آنکه: برای تحقق جرم ماده ۶۰۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ لازم است که توهین کننده از سمت ماموردولتی مطلع باشد ولی لازم نیست که سمت دقیق کارمند را بداند.

چهارم آنکه: برای تحقق جرم ماده ۶۰۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ لازم است که توهین یا در حال انجام وظیفه یا به سبب انجام وظیفه باشد و تحقق یکی از این دو شرط کافی است. بنابراین توهین به قاضی در حال انجام وظیفه توسط همسر او به دلیل دعوایی که در خانه با هم داشته اند مشمول این ماده می شود و توهین به همان قاضی توسط همسرش در خانه ولی به سبب حکمی که علیه عمه همسر توسط قاضی صادر شده است هم مشمول ماده ۶۰۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ است، البته لازم نیست که توهین کننده از مأمور دولت متضرر شده باشد مثال در مثال قاضی و همسرش اگر همسر قاضی در خانه به دلیل حکمی که قاضی علیه یک غریبه صادر کرده به قاضی توهین کند باز هم مشمول ماده ۶۰۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ هست. در حین انجام وظیفه کل ساعاتی را شامل می شود که کارمند در ساعات اداری در محل کار خودش حضور دارد ولی اینکه در طول این ساعات در حال چای خوردن یا بافتنی بافتن باشد خللی به انجام وظیفه کارمند وارد نمی کند ولی اگر کارمند از حیطه وظیفه خارج شود مثلاً ارباب رجوع را مورد ضرب و شتم قرار بدهد و ارباب رجوع به او توهین کند چون کارمند از وظایف خود به دلیل انجام عمل غیرقانونی خارج شده باشد، توهین او توهین عادی تلقی می شود.

ماده ۶۰۹: هر کس با توجه به سمت، یکی از روسای سه قوه یا معاونان رئیس جمهوری یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به سه تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود.

✓ اشخاص موضوع این ماده حصری می باشد و توهین در این ماده باید با توجه به سمت و در هر حال انجام وظیفه یا به سبب آن باشد.

✓ سپرده شدن شرط تحقق جرم است و جرم زمانی محقق می شود که افرادی که قانونا حق مطالبه طفل را دارند مطالبه نمایند.

✓ این جرم از جرایم قابل گذشت است.

ماده ۶۳۳: هر گاه کسی شخصا یا به دستور دیگری طفل یا شخصی را که قادر به محافظت خود نمی باشد در محلی که خالی از سکنه است رها نماید به حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال محکوم خواهد شد و اگر در آبادی و جائیکه دارای سکنه باشد رها کند تا نصف مجازات مذکور محکوم خواهد شد و چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن صدمه یا آسیب یا فوت شود، رهاکننده علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به قصاص یا دیه یا ارش نیز محکوم خواهد شد.

✓ این جرم از جرایم قابل گذشت است.

ماده ۶۳۴: هر کس بدون مجوز مشروع نبش قبر نماید به مجازات حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال محکوم میشود و هر گاه جرم دیگری نیز با نبش قبر مرتکب شده باشد به مجازات آن جرم هم محکوم خواهد شد.

ماده ۶۳۵: هر کس بدون رعایت نظامات مربوط به دفن اموات جنازه ای را دفن کند یا سبب دفن آن شود یا آن را مخفی نماید به جزای نقدی از یکصد هزار تا یک میلیون ریال محکوم خواهد شد.

✓ جرم دفن یا مخفی کردن جنازه بدون رعایت نظامات (دفن مرحوم)

ماده ۶۳۶: هر کس جسد مقتولی را با علم به قتل مخفی کند یا قبل از اینکه به اشخاصی که قانونا مامور کشف و تعقیب جرایم هستند خبر دهد آن را دفن نماید به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال محکوم خواهد شد.

✓ دفن یا مخفی کردن جسد مقتول با علم به قتل

ارکان تشکیل دهنده جرم خیانت در امانت

رکن قانونی

عنصر قانونی جرم خیانت در امانت ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات مصوب ۷۵ است بدین شرح: «هرگاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی اجرت به کسی داده شده و بنابراین بوده است که اشیای مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آن ها را به ضرر مالکین یا متصرفین آن ها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.» به استناد رأی شعبه سوم دیوان عالی کشور به شماره ۲۵۷۸ مورخ ۱۳۱۸/۱۰/۲۵ کسی که نسبت به ملکی امین باشد نسبت به عواید و منافع آن هم امین است و در صورتی که حیف و میل کرده باشد عمل او خیانت در امانت است؛ بنابراین تصرف در عوض و منافع مالی امانی نیز خیانت در امانت است.

رکن مادی

الف) رفتار مادی فیزیکی

رفتار فیزیکی که برای تحقق خیانت در امانت لازم است اصولاً با فعل انجام می شود اما برخی از رفتارها و مصداق های خیانت و امانت ممکن است یا ترک فعل رخ دهد. رفتار فیزیکی لازم برای ارتکاب خیانت در امانت یکی از چهار فعل محصور در ماده ی ۶۷۴ قانون تعزیرات مصوب ۷۵ یعنی تصاحب، استعمال، تلف یا مفقود کردن است.

۱- **تلف نمودن:** تلف نمودن یعنی از بین بردن مال کلاً یا جزئاً و یا وصفاً؛ بنابراین اگر امین تمام یک کتاب را نابود کند یا فقط چند صفحه از آن را بکند و یا تذهیب کاری اطراف صفحه های آن را نابود سازد همگی خیانت در امانت از طریق تلف نمودن هستند. به طور استثنایی تلف کردن مال مورد امانت با ترک فعل نیز قابل ارتکاب است مثل آن که فردی به دیگری چند صندوق میوه بسپارد که تا زمان معینی آن ها را بفروشد ولی علی رغم وجود مشتری فرد ایمن عمداً و با قصد سو اضرار به صاحب میوه ها از فروش میوه ها خودداری کند (ترک فعل)، خیانت در امانت تحقق می یابد.

۲- **استعمال:** استعمال یعنی به کار گرفتن مال مورد امانت در غیر مورد معین شده استعمال با بقای عین نیز ممکن بوده و هیچ ملازمه ای بین استعمال و از بین رفتن عین مال نیست.